

## Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

# Subsidiary Liability of the Parent Company for the Activities of Subsidiary Companies

1. Alale Baghbani: PhD Student, Department of Private Law, Am.C., Islamic Azad University, Amol, Iran
2. Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghibi\*: Assistant Professor, Department of Private Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: mh.taghipour@umz.ac.ir (Corresponding Author)
3. Mehdi Fallah Kharyeki: Department of Private Law, Am.C., Islamic Azad University, Amol, Iran

### ABSTRACT

In contemporary legal systems, corporate group structures are recognized as an undeniable reality in the sphere of international commerce. Despite the separate legal personality of subsidiary companies, their independence has consistently been challenged by the influence and control exercised by parent companies. Accordingly, the present study seeks to answer the question of whether, and to what extent, a parent company may be held liable for the harmful acts or obligations of its subsidiaries. The research was conducted through a library-based (documentary) method, with data collected through note-taking techniques, and analyzed using a descriptive-analytical approach. The findings indicate that the concept of “subsidiary liability of the parent company” reflects a transition from the doctrine of absolute corporate separateness toward the recognition of a form of supervisory and controlling responsibility. In Iranian law, due to the absence of explicit statutory provisions, the analysis of such liability is primarily based on the general principles of civil liability and the doctrine of piercing the corporate veil. In contrast, English law, supported by a more extensive body of case law, holds parent companies accountable in specific circumstances where abuse of the corporate form or effective control is established. A comparison of the two legal systems demonstrates that the limited and purpose-oriented recognition of such liability contributes to economic justice and the effective protection of third parties. Therefore, the enactment of clear regulations within Iranian law to define the scope and criteria of this liability appears necessary.

**Keywords:** *Subsidiary Companies, Parent Companies, Iranian Law, English Law, Liability.*

How to cite: Baghbani, A., Taghipour Darzi Naghibi, M. H., & Fallah Kharyeki, M. (2026). Subsidiary Liability of the Parent Company for the Activities of Subsidiary Companies. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(4), 1-20.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 January 2026

Revise Date: 14 May 2026

Accept Date: 23 May 2026

Initial Publish Date: 29 June 2026

Final Publish Date: 23 October 2026



## پژوهش‌های تطبیقی فقه،

## حقوق و سیاست

# مسئولیت تبعی شرکت مادر در فعالیتهای شرکتهای تابعه

۱. آلاله باغبانی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد آیت ا... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
۲. محمدحسین تقی پور درزی نقیبی\*: استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. پست الکترونیک: mh.taghipour@umz.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. مهدی فلاح خاریکی: گروه حقوق خصوصی، واحد آیت ا... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

### چکیده

در نظامهای حقوقی معاصر، ساختارهای گروه شرکتهای به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر در عرصه تجارت بین‌الملل مطرح‌اند. با وجود تمایز شخصیت حقوقی شرکتهای تابعه، استقلال آنها همواره در برابر نفوذ و کنترل شرکت مادر چالشبرانگیز بوده است. لذا هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال است آیا و تا چه میزان میتوان شرکت مادر را در قبال اعمال زیانبار یا تعهدات شرکتهای تابعه مسئول دانست. که به‌صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و ابزار به‌صورت فیش‌برداری است و روش تجزیه و تحلیل نیز به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان داد مفهوم «مسئولیت تبعی شرکت مادر» بیانگر گذار از استقلال مطلق شخصیت حقوقی شرکتهای به‌سوی پذیرش نوعی مسئولیت نظارتی و کنترلی است. در حقوق ایران، به‌دلیل فقدان مقررات صریح، تحلیل این مسئولیت بر پایه اصول کلی مسئولیت مدنی و نظریه رفع حجاب شخصیت حقوقی انجام میگردد. در مقابل، حقوق انگلستان با رویه قضایی گسترده‌تر، در موارد خاص و با اثبات سوءاستفاده یا کنترل مؤثر، شرکت مادر را پاسخگو میداند. مقایسه دو نظام نشان میدهد که پذیرش محدود و هدفمند این مسئولیت، به عدالت اقتصادی و حمایت مؤثر از اشخاص ثالث یاری میرساند. ازاینرو، تدوین مقررات شفاف در حقوق ایران برای تعیین حدود و معیارهای این مسئولیت ضروری به‌نظر میرسد.

**واژگان کلیدی:** شرکتهای تابعه، شرکت‌های مادر، حقوق ایران، حقوق انگلستان، مسئولیت.

**نحوه استناددهی:** باغبانی، آلاله، تقی پور درزی نقیبی، محمدحسین، و فلاح خاریکی، مهدی. (۱۴۰۵). مسئولیت تبعی شرکت مادر در فعالیتهای شرکتهای تابعه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۴)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۸ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۵



در فضای اقتصادی معاصر، ساختار گروه شرکتها به‌عنوان یکی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در نظامهای تجاری داخلی و بین‌المللی شناخته می‌شود. تمرکز سرمایه، مدیریت واحد و اهداف مشترک سبب شده است تا شرکت‌های تابعه، علیرغم دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل، عملاً در چارچوب اراده و سیاست‌های شرکت مادر فعالیت کنند. این وابستگی ساختاری، مرز میان استقلال حقوقی و کنترل اقتصادی را مخدوش می‌سازد و پرسش‌های بنیادینی را درباره حدود و مبنای مسئولیت شرکت مادر، در قبال اقدامات و تعهدات شرکت‌های تابعه مطرح می‌کند. به‌موجب اصول کلاسیک حقوق شرکت‌ها، هر شخصیت حقوقی به‌طور مستقل پاسخگوی تعهدات و زیانهای ناشی از عملکرد خود است و سهامداران یا شرکت‌های وابسته در برابر اشخاص ثالث مسئولیتی ندارند. با این حال، در عمل، کنترل گسترده و نفوذ تصمیم‌گیری شرکت مادر بر شرکت‌های تابعه می‌تواند موجبات ورود ضرر به اشخاص ثالث یا نقض قواعد آمره را فراهم آورد. بدین ترتیب، ضرورت دارد تا در مواردی استثنایی، حجاب شخصیت حقوقی کنار زده شده و شرکت مادر نسبت به فعالیت‌های زیانبار یا تعهدات ناشی از عملکرد شرکت تابعه، مسئولیت تبعی پیدا کند.

در حقوق ایران، با وجود پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها، مقررات صریحی درباره مسئولیت شرکت مادر وجود ندارد و موضوع معمولاً با استناد به قواعد عام مسئولیت مدنی و نظریه رفع حجاب شخصیت حقوقی تحلیل می‌شود. در مقابل، حقوق انگلستان با سابقه طولانی‌تر در تجربیات قضایی، راهکارهای مشخصتری را در شناسایی مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه اتخاذ نموده، به‌ویژه در مواردی که شرکت تابعه نقض جدی تعهدات قانونی یا زیان به اشخاص ثالث وارد کرده است. بر این اساس، پژوهش در زمینه «مسئولیت تبعی شرکت مادر در فعالیت‌های شرکت‌های تابعه» تلاشی است برای بررسی تطبیقی مبانی نظری، حدود و مصادیق این مسئولیت در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، تا ضمن تبیین قلمرو مشروع مداخله قانونگذار، زمینهای برای توسعه رویه و ارائه راه‌حلهای اجرایی منطبق بر عدالت اقتصادی و امنیت حقوقی فراهم آید.

## مفاهیم

### شرکت مادر

شرکت مادر، شرکتی است که از طریق داشتن اکثریت مالکیت سهام، فعالیت شرکت‌های دیگر را کنترل می‌کند (Salehi Mazandarani & Zakerinia, 2013). از طرف دیگر، شرکت مادر، شرکتی است که به‌منظور اداره و کنترل شرکت‌های زیرمجموعه خود، از طریق خرید بخش اصلی سهام دارای حق رأی آن، ایجاد می‌شود (William & Final, 1911). همچنین می‌توان گفت شرکت مادر شرکتی است که حداقل یک شرکت دیگر را تحت کنترل و مدیریت خود داشته باشد. بدیهی است کنترل یک شرکت می‌تواند از راه‌های مختلفی صورت گیرد. مهمترین مؤلفه‌ای که می‌تواند سبب کنترل یک شرکت از سوی شرکتی دیگر شود، تملک سهام شرکت تابعه است. اما صرف تملک سهام باعث کنترل شرکت دیگر نمی‌شود، بلکه میزان تصاحب سهام باید به‌گونه‌ای باشد که شرکت مالک بتواند با انتخاب مقامات تصمیم‌گیرنده در شرکت تابعه از جمله هیئت مدیره، در تصمیم‌گیری‌های شرکت و از جمله اداره آن نقشی مؤثر ایفا نماید. به همین دلیل، برخی میزان تصاحب سهام شرکت تابعه را حداقل ۵۴ درصد اعلام کرده‌اند. اینجاست که تفاوت میان شرکت مادر با شرکت سرمایه‌گذار مشخص می‌شود (Rezaei, 2017).

### شرکت تابعه

شرکتی که در کنترل شرکت دیگر، شرکت مادر، است، را شرکت تابعه مینامند (Garner, 2009). شرکت تابعه را شرکت دختر یا شرکت خواهر نیز گویند. این شرکتی است که کاملاً یا بخشی از آن تحت تملک یا کنترل شرکت دیگری است و بیش از نصف سهام آن را بر عهده دارد. شرکت تابعه میتواند یک شرکت، کورپوریشن یا شرکت با مسئولیت محدود باشد. شرکت کنترلکننده، شرکت والد، شرکت مادر یا شرکت هلدینگ خوانده میشود. شرکتهای تابعه در بازار کسبوکار رایج هستند و همه شرکتهای چندملیتی عملیات خود را به این شیوه انجام میدهند. نمونههای آن شامل برکشایر هاتاوی، تایم وارنر یا سیتیگروپ میشود و همچنین آیبیام و زیراکس است (Amirian Jahromi et al., 2023). بهطور کلی میتوان گفت بهنظر میرسد با توجه به نبود الزامات قانونی در خصوص چگونگی فعالیت گروه شرکتهای و همچنین نبود تعریف جامع از شرکتهای مادر، تابع، فرعی و وابسته در قانون تجارت ایران، کنترل شرکتهای از سوی شرکت دیگر از طریق تحصیل بیش از ۵۰ درصد سهام آنها صورت میگیرد و شرکتی که بیش از ۵۰ درصد سهام آن در اختیار شرکت دیگر باشد، شرکت تابعه تلقی میشود (Amirian Jahromi et al., 2023).

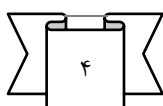
### تسری مسئولیت شرکت مادر در قبال فعالیتهای شرکت تابعه در حقوق ایران

پیش از بررسی مسئولیت شرکت مادر در ارتباط با فعالیتهای شرکت تابعه، اشاره به این نکته ضروری است که در مورد گروههای شرکتهای مادر، دیدگاههایی در خصوص وحدت یا تعدد شخصیت حقوقی میان این شرکتهای و در نتیجه، مسئولیت یا عدم مسئولیت شرکت مادر وجود دارد. تحلیل این دیدگاهها، از اهمیت بالایی برخوردار است. در حوزه گروههای شرکتهای تجاری، دو واقعیت حقوقی و اقتصادی وجود دارد که با یکدیگر در تعارض هستند. از منظر حقوقی، هر شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل است و در برخی موارد، مانند شرکتهای سهامی، سهامداران مسئولیت محدود دارند. اما از دیدگاه اقتصادی و در عمل، شرکتهای یک گروه بهعنوان یک واحد یکپارچه و بهمپیوسته عمل میکنند، با شرکت مادر در نقش کنترلکننده و مدیر کل. بنابراین، شرکت مادر مسئولیت کامل اقدامات شرکتهای تابعه را بر عهده دارد (Gholami & Bagherpour, 2021).

در حقوق تجارت بینالملل، دو اصل کلیدی بر اساس واقعیهای حقوقی و اقتصادی شکل میگیرند: اصل «استقلال شخصیت حقوقی» که بر مبنای واقعیهای حقوقی استوار است و اصل «وحدت عملکرد» که به جنبههای اقتصادی و عملیاتی گروههای شرکتهای توجه دارد. اصل «استقلال شخصیت حقوقی» در نظامهای حقوقی کشورهای مختلف ریشهدارتر است، بهویژه در مواردی که مسئولیت حقوقی مطرح میشود. بااینحال، در شرایط استثنایی، نظامهای حقوقی با استناد به دکترین «نفوذ در پرده شخصیت حقوقی» و در صورت وجود سوءمدیریت یا کنترل نامناسب شرکت تابعه، مسئولیت را مستقیماً بر عهده نهاد کنترلکننده قرار میدهند (Kaviani & Ghasemi Moghadam, 2015).

در نظام حقوقی ایران، با توجه به خلأ قانونی موجود، میتوان با استناد به اصول کلی حقوقی و قواعد فقهی مانند «منع سوءاستفاده از حق»، «من له الغنم فعلیه الغرم»، «مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل بر شرکت تابعه»، «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر»، و «تسبیب»، و همچنین مواد مرتبط با مسئولیت مدنی، مبنایی برای مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه فراهم کرد. در صورت سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه، پذیرش مسئولیت شرکت مادر قابل توجیه است. دادگاهها میتوانند با تکیه بر اصول فقهی و حقوقی نظیر منع سوءاستفاده از حق و قاعده لاضرر، و همچنین با استناد به ماده ۱ ق.م.م. و ماده ۲۳۷ لایحه جدید قانون تجارت، در صورت لازمالاجراشدن، شرکت مادر را در قبال اقدامات شرکت تابعه، مسئول تشخیص دهند (Gholami & Bagherpour, 2021).

ادامه قواعد حقوقی ایران در زمینه مسئولیت شرکت مادر نسبت به فعالیتهای شرکت تابعه مورد بررسی قرار میگیرد.



## غرور

در حقوق، غرور به معنای صدور عملی از سوی فردی است که منجر به ضرر دیگری میشود، حتی اگر قصد فریب دادن نداشته باشد، اما این خسارت به دلیل فریب خوردن فرد زیان‌دیده به او تحمیل شده است (Feyzi Chakab et al., 2020). در مورد گروه‌های شرکتهای تجاری، نمونه‌های واضح از این قاعده، شرکتهای تابعهای هستند که با استفاده از نام یا نشان تجاری شرکت مادر در مکاتبات خود، باعث گمراهی اشخاص ثالث در زمان انعقاد قرارداد میشوند. این امر ممکن است منجر به آن شود که اشخاص ثالث، به اشتباه تصور کنند با یک شرکت معتبر و قدرتمند قرارداد میندند و در نتیجه، تعهداتی را پذیرفته و وارد معاملات مالی شوند. بر اساس قاعده غرور، حکم به مسئولیت شرکت مادر در این فرضیه قابل اعمال است. در چنین شرایطی، شرکت مادر که از نام و اعتبار خود به نحوی سوءاستفاده کرده و این امر در شرکت تابعه منعکس شده است، حتی اگر قصد چنین القایی را نداشته باشد اما عرفاً چنین برداشتی ایجاد شده باشد، مطابق قاعده مذکور، مسئولیت تضامنی با شرکت تابعه را بر عهده خواهد داشت (Ahmadzadeh, 2015).

در مواردی که شرکت مادر، با هدف گریز از تعهدات قانونی و سوءاستفاده از ساختار شرکتهای، اقدام به تأسیس شرکت تابعهای صوری میکند و از طریق آن به انجام معاملاتی با اشخاص ثالث با حسن نیت میپردازد، اشخاص ثالث که از ماهیت صوری این شرکت آگاه نیستند، حق دارند به شرکت مادر، شخص غار، که این وضعیت را ایجاد کرده است، مراجعه کنند. این اصل، مشابه قاعده اصیل و ناصیل، تنها در مورد اشخاص ثالث با حسن نیت قابل اعمال است و مشروط بر آن است که شخص فریب‌خورده از حقیقت امر بیاطلاع باشد (Ziegler & Qureshi, 2011). برخی نویسندگان بر این باورند که آگاهی طرف معامله از جایگاه واقعی اصیل در قرارداد، حق رجوع او به آن اصیل را سلب نمیکند. بلکه این آگاهی، مزیتی برای طرف معامله به شمار میرود، چرا که او را از بار اثبات تسلط شرکت مادر بر شرکت تابعه معاف میسازد (Shid & Izanloo, 2017).

این دیدگاه از دو منظر قابل انتقاد است: نخست، با اصول بنیادین قاعده اصیل واقعی در تضاد است. دوم، حق مذکور با استناد به قواعد دیگری، از جمله قاعده اقدام، از بین رفته است؛ زیرا قاعده اقدام در فقه و حقوق اسلامی یکی از عوامل سقوط ضمان به‌شمار میرود (Mousavi & Bojnourdi, 1996). طرف قرارداد حق درخواست جبران خسارت از طرف مقابل را ندارد، چنانچه خود اقدام به وارد کردن ضرر به خود کرده باشد. همچنین، با توجه به ماهیت استثنایی و خلاف اصل قاعده اصیل واقعی، شناسایی و اعمال این قاعده باید به‌صورت محدود و دقیق صورت پذیرد (Feyzi Chakab et al., 2020).

## تسبیب

در نظام حقوقی ایران، برخلاف نظامهای حقوقی غربی که به صراحت مسئولیت مدنی شرکت مادر را در قبال اقدامات شرکت تابعه مشخص کرده‌اند، هیچ مقرره‌ای در این خصوص وجود ندارد. این در حالی است که شرکت تابعه تحت نظارت و کنترل مستقیم شرکت مادر قرار دارد و این کنترل به‌گونه‌ای است که وجود آن، شرط اصلی برقراری رابطه بین شرکت مادر و شرکت تابعه به‌شمار میرود. شرکت مادر، با استفاده از نفوذ و اعمال سیاستها و راهبردهای خود بر شرکت تابعه، میتواند کنترل و مدیریت آن را در اختیار بگیرد. در صورتیکه بر اساس تصمیمات شرکت مادر، خسارتی به اشخاص ثالث از سوی شرکت تابعه وارد شود، این خسارات بر مبنای قاعده تسبیب، از شرکت مادر قابل مطالبه خواهد بود (Gholami & Bagherpour, 2021).

باینحال، بر اساس اصل کلی، در مواردی که سبب و مباشر در کنار هم قرار میگیرند، مباشر مسئولیت اصلی را بر عهده دارد، مگر آنکه سبب از مباشر قویتر باشد. در این مورد خاص، برای نسبت دادن مسئولیت به شرکت مادر، باید ثابت شود که سببیت آن قویتر از شرکت تابعه است. واضح است که نمیتوان قاعدهای کلی وضع کرد و نتیجه گرفت که تنها به دلیل کنترل و نظارت شرکت مادر بر شرکت تابعه، آن را مسئول خسارات وارد شده دانست. در صورتیکه یک یا چند شرکت تابعه از انجام تعهدات خود باز بمانند، با وجود سودآوری قابل توجه کل گروه و رشد اقتصادی برخی شرکتهای تابعه دیگر، شرکت مادر ممکن است بر اساس قاعده تسبیب مسئول شناخته شود. باینحال، مهمترین نکتهای که در این شرایط باید اثبات گردد، فقدان استقلال شرکت تابعه و دخالت مستقیم شرکت مادر در تصمیمگیریهای آن است (Ahmadzadeh, 2015).

چنانچه شرکت مادر به واسطه دخالت غیرمستقیم در امور مدیریتی شرکتهای تابعه، موجب وارد آمدن زیان به طلبکاران این شرکتها شود، بر اساس اصل تسبیب، مسئولیت جبران خسارت متوجه شرکت مادر خواهد بود. در تحولات اخیر قانونگذاری، ماده ۵۲۶ ق.م.ا. بیان میکند که در صورت مشارکت دو یا چند عامل در وقوع یک جنایت، بهصورت مباشرت یا تسبیب، عاملی که جنایت به او نسبت داده میشود، ضامن است. چنانچه جنایت به تمام عوامل نسبت داده شود، مسئولیت بهطور مساوی تقسیم میگردد، مگر آنکه تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد؛ در این صورت، هریک به اندازه تأثیر رفتار خود مسئول هستند. همچنین، اگر مباشر در جنایت فاقد اهلیت باشد، مانند بیاختیار، جاهل، صغیر غیرممیز، مجنون یا موارد مشابه، تنها سبب، ضامن شناخته میشود (Feyzi Chakab et al., 2020).

ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مصوب ۲۰۱۳، با وجود قرارگیری در بخش جنایات، به دلیل شباهت قواعد و احکام اتلاف مال و اتلاف جان و عضو، در حوزه مسئولیت مدنی نیز قابل اعمال است. این امر منجر به نسخ ماده ۳۳۲ ق.م. توسط ماده مذکور میگردد (Haji Dehabadi, 2019). هدف از این بحث، بازگرداندن به اصول کلی مسئولیت مدنی نیست، بلکه تأکید بر این نکته است که شرکت مادر، از طریق اعمال کنترل و ارائه راهبردهایی به مدیران منصوب خود برای افزایش سود کل گروه، ممکن است تعهدات اضافی برای شرکتهای تابعه ایجاد کند. بنابراین، با استناد به ذیل ماده مورد اشاره و عبارت «و مانند آنها باشد» که غیرحصری بودن موارد ذکر شده در این ماده را مشخص میکند، این موضوع قابل استنتاج است (Amini & Enayattabar, 2018).

چنانچه شرکت تابعه، با اکثریت مدیران تحت دستور و نظارت مستقیم شرکت مادر، اقدام به انعقاد قرارداد یا وارد آوردن خسارت به اشخاص ثالث نماید، بهگونهای که هیچگونه اختیار یا تأثیر مستقلى برای شرکت تابعه قابل تصور نباشد، میتوان شرکت مادر را بر اساس قاعده تسبیب مسئول دانست. این مسئولیت به دلیل آن است که شرکت تابعه در مقام مباشر، تحت سلطه و کنترل مؤثر شرکت مادر قرار داشته و رابطه علیت میان فعل زیانبار شرکت تابعه و ضرر وارده، به شرکت مادر منتهی میشود. در بخش پایانی ماده ۵۲۶، موضوع کلیدی، مسئولیت سبب و مباشر بر اساس سهم تأثیرگذاری هریک در ایجاد خسارت، ضمان سهمی، است. بنابراین، چنانچه ثابت شود اقدام شرکت تابعه نیز در بروز خسارت مؤثر بوده، با استناد به ماده ۵۲۶ ق.م.ا. و اصول حقوقی، شرکت مادر و تابعه هرکدام به اندازه نقش خود در ایجاد خسارت، مسئول شناخته خواهند شد (Feyzi Chakab et al., 2020).

#### قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

بنابراین، قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» به دلیل خسارتهای متنوع در دنیای معاصر، توجه حقوقدانان را به خود جلب کرده است. این قاعده از اصول مسلم فقهی بهشمار میرود (Katouzian, 2006). تعهد شرکت مادر به حمایت از حقوق اشخاص ثالثی که با شرکت تابعه

معامله میکنند، به دلیل وابستگی مالی و اعتباری آن به شرکت مادر، الزام مسئولیت شرکت مادر را در قبال عملکرد شرکت تابعه آشکار میسازد. با توجه به اینکه شرکت تابعه اغلب از توان مالی کافی برای جبران خسارات احتمالی به اشخاص ثالث برخوردار نیست، درحالیکه این اشخاص با اتکا به اعتبار کل گروه اقدام به معامله میکنند، شرکت مادر باید نهنها در زمان سودآوری و هدایت عملیات، بلکه در شرایط زیان و ورشکستگی نیز مسئولیت اقدامات و تبعات آن را بر عهده گیرد (Salehi Mazandarani & Zakerinia, 2013). با توجه به مفهوم شرکت مادر و تابعه، که در آن شرکت مادر با مالکیت سهام عمده و تعیین سیاستهای کلی، سود فعالیتهای شرکت تابعه را به خود اختصاص میدهد، میتوان قاعده الغنم در حقوق ایران را با قاعده اصیل واقعی تطبیق داد. این تطبیق به دلیل آن است که یکی از شرایط اصیل واقعی، کنترل و مدیریت شرکت تابعه توسط شرکت مادر و بهره‌مندی از سود آن است، امری که قاعده الغنم نیز بر آن تأکید دارد (Pouzad, 2017).

### مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، مسئولیت نیابتی

در نظام حقوقی ایران، اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی حاکم است، اما «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر» به‌عنوان استثنایی بر این اصل شناخته میشود. برخلاف برخی کشورها مانند فرانسه که قواعد کلی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر را به‌صورت متمرکز بیان کرده‌اند، در حقوق ایران این موضوع در مواد پراکنده‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، ماده ۷، مسئولیت سرپرست در قبال اعمال مجنون یا صغیر، و ماده ۱۲، مسئولیت کارفرما در قبال اعمال کارگر، قانون مسئولیت مدنی، نمونه‌هایی از این استثناها هستند (Gholami & Bagherpour, 2021).

در نظام حقوقی ایران، نمونه‌های متعددی از مسئولیت ناشی از فعل غیر وجود دارد. برای مثال، در حوزه حملونقل دریایی، ماده ۱۱۲ و بند ۱ ماده ۱۳ ق.د.، مسئولیت وکیل اول را در قبال اقدامات وکیل دوم که مجاز به واگذاری وکالت نیست، ماده ۶۷۲ ق.م. و همچنین مسئولیت عاقله در قبال فعل جانی، ماده ۳۰۶ ق.م.ا، را مشخص میکند. این موارد، نشان‌دهنده گسترش دامنه مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است که مسئولیت شخصی را تحت تأثیر قرار داده و آن را به شکلی گسترده‌تر تعریف مینماید (Ahmadinia et al., 2022).

بررسی دقیق مواد قانونی در حقوق ایران نشان میدهد که مسئولیت ناشی از فعل غیر یا اشیا، به دلیل نقض وظیفه مراقبت، به‌عنوان یک اصل حقوقی در ایجاد مسئولیت، مشابه برخی کشورهای دیگر، پذیرفته شده است. نظارت و کنترل بر اساس مبنای موجود در هریک از این مصادیق، زمین‌ساز مسئولیت است. از سوی دیگر، یکی از اصول مسئولیت ناشی از فعل غیر، بر اساس مواسات و کمک به دیگران، جلوگیری از تضییع حقوق زیان‌دیده را هدف قرار میدهد (Yazdanian, 2012).

لذا، از آنجاکه شرکت تابعه نیز تحت نظارت و کنترل شرکت مادر است و این کنترل به نحوی است که شرط تحقق رابطه مادر و تابعه، وجود کنترلی مؤثر است، در نتیجه میتوان شرکت مادر را بر اساس میزان مالکیت سهام شرکت تابعه و کنترلی که به واسطه مالکیت سهام بر شرکت مادر نسبت به تابعه به وجود می‌آید به میزان درجه کنترل و تأثیر، مسئول پرداخت خسارات است. از آنجاکه مسئولیت ناشی از فعل غیر استثنایی وارد بر اصل مسئولیت شخصی میباشد و اگر مبنای فوق، به دلیل تفسیر مضیق استثنا، برای پذیرش مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه، مورد پذیرش واقع نشود، استناد به قاعده تسبیب خالی از فایده نخواهد بود (Gholami & Bagherpour, 2021).

## استقلال نسبی شخصیت حقوقی

در حقوق ایران، نظریه «استقلال نسبی شخصیت حقوقی» وجود دارد که برخی نویسندگان آن را معادل مفهوم «استنادپذیری» در حقوق آمریکا میدانند. بر اساس این نظریه، یک عمل حقوقی ممکن است از نظر داخلی کامل و میان طرفین معتبر باشد، اما به دلیل نقض حقوق اشخاص ثالث، در برابر آنان فاقد اعتبار است. به عبارت دیگر، چنین عملی اگرچه از نظر ساختاری صحیح است، اما به دلیل مغایرت با قواعد حمایتی اشخاص ثالث، قابل استناد در برابر آنان نیست (Izanloo & Shariati Nasab, 2012). در برخی موارد، رابطه خاص میان دو فرد با شخصیت‌های مستقل میتواند باعث شود که اقدامات یکی از آنها برای دیگری مسئولیتزا باشد. این موضوع در قانون تجارت نیز منعکس شده است، بهطوریکه طبق قواعد عمومی نمایندگی یا وکالت، اقدامات مدیران شرکت تنها در صورتی برای شرکت ایجاد مسئولیت میکند که در چارچوب اختیارات قانونی تفویضشده به آنها باشد. بر اساس ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت، قانونگذار با هدف حمایت از حقوق اشخاص ثالث، استثنایی بر قاعده عمومی اعمال کرده است. طبق این ماده، اقدامات مدیران در محدوده موضوع شرکت، حتی اگر مغایر با اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی باشد، در برابر اشخاص ثالث معتبر شناخته میشود. این رویکرد، در راستای تضمین اعتبار اعمال شرکت و جلوگیری از زیانهای ناشی از اختلافات داخلی شرکت با مدیران یا نقض مقررات اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی، به نفع اشخاص ثالث اتخاذ شده است (Pasban, 2010).

در ارتباط میان شرکت مادر و شرکتهای تابعه، اصل استقلال نسبی شخصیت حقوقی قابل طرح است. بر این اساس، اگرچه این دو شرکت در بسیاری از موارد از استقلال برخوردارند، اما این استقلال در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت، به دلیل عواملی مانند حفظ حقوق آنان، کنترل مؤثر، مالکیت عمده سهام شرکت تابعه، و جلوگیری از سوءاستفاده از حق، قابل استناد نیست. یکی از موارد نقض حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، زمانی رخ میدهد که شرکت مادر، از طریق کنترل مؤثر و مالکیت بیش از پنجاه درصد سهام شرکت دیگر یا انتخاب هیئت مدیره آن، اقدام به تشکیل شرکتهای فرعی و اقماری میکند. هدف از این اقدام، فرار از مسئولیتهای قراردادی و تعهدات قانونی است (Mirzaei, 2016).

بر اساس قواعد حقوقی و تعریف شرکتهای مادر و تابعه، چنانچه شرکت مادر کنترل مؤثر بر شرکت تابعه را در دست داشته باشد و در فرآیند تصمیمگیری و تعیین خطمشی آن نقش محوری ایفا کند، استقلال شخصیت حقوقی شرکت تابعه در برابر ثالث معاملهکننده نادیده گرفته میشود. در این شرایط، شرکت مادر بهعنوان اصیل واقعی شناخته شده و مسئولیت اجرای تعهدات قراردادی را بر عهده میگیرد. به همین دلیل، ثالث معاملهکننده حق دارد مستقیماً به شرکت مادر مراجعه کند (Feyzi Chakab et al., 2020).

## نظریه نمایندگی

بر اساس ماده ۱۹۶ ق.م.، نسبت دادن تعهد به شخصی غیر از شرکت تابعه، بهعنوان طرف قرارداد، با وجود پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکتها، مغایر با اصل نسبی بودن قراردادها است. مقنن در بخش پایانی این ماده تصریح کرده است: «... مگر آنکه در زمان انعقاد قرارداد، خلاف آن به صراحت بیان شده باشد یا پس از آن، خلاف آن ثابت گردد». بنابراین، اثبات وجود نمایندگی همواره امکانپذیر است و هر یک از نماینده، اصیل یا طرف قرارداد که ذینفع باشد، میتواند پس از اثبات نمایندگی، محدوده نسبی بودن قرارداد را تغییر دهد (Feyzi, 1995). هرچند قانونگذار بهطور صریح الزامی برای اعلام نیابت در زمان انعقاد قرارداد قائل نشده است، اما در صورتیکه ثابت

شود قرارداد به نفع شخص دیگری منعقد شده است، رجوع به اصیل واقعی به‌عنوان طرف اصلی قرارداد، مانعی نخواهد داشت (Mirzaei, 2016).

رابطه میان شرکت مادر و شرکت تابعه بر اساس نظریه نمایندگی، میتواند به‌عنوان یک قرارداد تلقی شود که در آن شرکت مادر، مالک، شرکت تابعه را به‌عنوان نماینده و مدیر خود به کار میگیرد. در این چارچوب، شرکت تابعه، مدیر، به‌عنوان نماینده شرکت مادر، مالک، عمل میکند و اهداف تجاری آن را دنبال مینماید. در نتیجه، مسئولیت اقدامات شرکت تابعه بر عهده شرکت مادر، منوبعنه، قرار میگیرد. البته، محاکم میتوانند اوضاع و احوال زیر را برای اثبات نمایندگی، اصیل واقعی، در پروندهها مدنظر قرار دهند: ۱- سیطره و تسلط حقوقی شرکت مادر بر اراده شخص متعاقد، شرکت تابعه، و در نتیجه قصد انجام معامله برای آن؛ ۲- تسری آثار عقد به شرکت مادر به‌عنوان منتفع اصلی قرارداد و تلقی سود شرکت تابعه برای شرکت مادر؛ ۳- پرداخت عوض معامله توسط شرکت مادر و نظایر آن (Feyzi Chakab et al., 2020).

### قاعده منع تقلب

حقوق شرکتها در ایران، یکی از زمینهبایی است که در آن شیوههای مختلف سوءاستفاده و تقلب رواج دارد (Shahbazinia et al., 2011). تقلب در زمینه شرکتها به دو شکل بروز میکند: نخست، زمانی که از ابتدا ارادهای برای تأسیس شرکت وجود نداشته و شرکت صرفاً به‌صورت صوری ایجاد شده است. دوم، زمانی که شرکت به‌درستی تأسیس شده، اما هدف از تشکیل آن دور زدن قانون و انجام اعمال غیرقانونی است. در حقوق ایران، برای حالت نخست ضمانت اجرایی مشخصی در نظر گرفته شده است؛ بدین معنا که اگر ثابت شود شرکت مادر، شرکت تابعه را به‌صورت صوری و بدون قصد واقعی تأسیس کرده است، شرکت تابعه باطل اعلام میشود و شرکت مادر مسئولیت آن را بر عهده دارد (Katouzian, 2023).

در برخی موارد، شرکت مادر با سوءاستفاده از قوانین و خلأهای قانونی، یا با تکیه بر اختیارات و اکثریت رأی خود، تصمیماتی اتخاذ میکند که صرفاً در راستای منافعش است. این وضعیت زمانی رخ میدهد که شرکت به‌درستی تشکیل شده باشد، اما به دلیل مسئولیت محدود و در پی حداکثرسازی سود، شرکتهای تابعه اقدامات زیانبار انجام دهند. در چنین شرایطی، با استناد به قاعده منع تقلب نسبت به قانون، میتوان شخصیت حقوقی شرکت تابعه را نادیده گرفته و شرکت مادر را مسئول دانست. در واقع، شرکت مادر، با بهره‌گیری از اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود شرکتها، به سوءاستفاده از این مفهوم پرداخته است. این امر به شرکت مادر اجازه میدهد تا از شرکتهای تابعه، به‌ویژه از قاعده مسئولیت محدود، به‌صورت متقلبانانه استفاده کند. با پنهان شدن پشت پرده شخصیت حقوقی مستقل شرکت، شرکت مادر از این ساختار به شکل نامشروع بهره‌برداری مینماید (Mirzaei Amghani, 2016).

بنابراین، بررسی موارد مذکور نشان میدهد که اصل استقلال شخصیت حقوقی، قاعدهای مطلق نبوده و در برخی شرایط، استثنائاتی بر آن مترتب است. بدین ترتیب، در صورتیکه تشکیل شرکت با نیت سوء و به‌منظور سوءاستفاده از این اصل و محدودیت مسئولیت شرکا همراه باشد، میتوان با استناد به قواعد حقوقی، از تأثیرگذاری اقدامات متقلبانانه جلوگیری کرد (Feyzi Chakab et al., 2020).

### مسئولیت شرکت مادر در برابر عملکرد شرکت تابعه در حقوق ایران

روابط ویژه میان شرکت مادر یا هلدینگ و شرکتهای تابعه موجب پیدایش مسائل حقوقی خاصی شده است که در سایر شرکتها و مؤسسات مشابه مشاهده نمیشود. از جمله این مسائل میتوان به نظریه‌های مربوط به مسئولیت و تبعیت و پیامدهای آنها اشاره کرد، که به‌طور خاص به مسئولیت شرکت مادر یا هلدینگ در قبال اقدامات شرکتهای تابعه مرتبط میگردد (Salehi Mazandarani & Zakerinia, 2013).

رویه قضایی ایالات متحده آمریکا، معیارهایی نظیر ارائه اطلاعات غلط و نمایش نادرست تواناییهای شرکت تابعه، عدم تفکیک مالی میان حسابهای شرکت مادر و شرکت تابعه، گزارشدهی نادرست در زمینه وضعیت مالی و کاهش ساختگی هزینهها، تهیه گزارشهای غیرواقعی توسط مدیران یا کارکنان شرکت تابعه و ناکارآمدی آنها، عدم رعایت اصول عدالت و انصاف، پذیرش ریسکهای غیرمعمول توسط شرکتهای تابعه، و کنترل مستقیم شرکت مادر یا هلدینگ بر فعالیتهای شرکتهای تابعه برای اعمال دکترین مرتبط مدنظر قرار میگیرد ( Motomura, 2005).

در حقوق ایران، سوءاستفاده از شخصیت حقوقی شرکت تابعه که منجر به مسئولیت شرکت مادر میشود، در دو فرض اصلی قابل تصور است. فرض اول مربوط به زمانی است که شرکت تابعه بهصورت واقعی و با رعایت تشریفات قانونی تأسیس شده است، اما اطلاعات نادرستی در مورد وضعیت، تواناییها یا اهداف آن به اشخاص ثالث ارائه میشود تا آنها را فریب دهد. این عمل که مصداق «تدلیس» است، میتواند شامل معرفی غیرواقعی شرکت بهعنوان یک نهاد مستقل و توانمند، درحالیکه در عمل تحت کنترل کامل و سوءنیت شرکت مادر قرار دارد، باشد. هدف در این حالت، جلب اعتماد طرفهای معامله یا طلبکاران با اتخاذ ظاهری فریبنده است (Sardouei Nasab & Fathi, 2025).

فرض دوم، زمانی است که شرکت تابعه بهصورت واقعی و با اراده جدی تشکیل شده است، اما انگیزه اصلی و نیت باطنی از تأسیس و اداره آن، سوءاستفاده از ساختار حقوقی شرکت برای فرار از تعهدات و تکالیف قانونی یا بهرهبرداری ابرازی از آن در جهت منافع غیرمشروع شرکت مادر است. این حالت که مصداق «تقلب» محسوب میشود، فراتر از تدلیس صرف است و به قصد ایجاد یک ساختار صوری یا کنترلشده برای انجام اعمالی میپردازد که در حالت عادی و با رعایت اصول قانونی، قابل انجام نبوده یا نتایج متفاوتی در پی داشته است. در هر دو فرض تدلیس و تقلب، اگر مشخص شود که شخصیت حقوقی مستقل شرکت تابعه بهطور عمدی و با سوءنیت برای فریب یا فرار از قانون مورد استفاده قرار گرفته است، ممکن است دادگاه اقدام به نادیده گرفتن تفکیک شخصیت حقوقی و در نتیجه، مسئول شناختن شرکت مادر نماید (Ravanbakhsh, 2025).

ارتباط و وابستگی میان حسابهای دو شرکت ممکن است زمینهای برای سوءاستفاده فراهم کند. معمولاً شرکت مادر از چنین شرایطی بهرهبرداری کرده و شرکت تابعه را بهعنوان پوششی برای معاملات زیانآور خود مورد استفاده قرار میدهد. شناسایی و تشخیص این مسئله نیازمند نظر کارشناسان متخصص و باتجربه است (Gholami & Bagherpour, 2021)؛ شرکت اصلی با هدف پنهان کردن سرمایه واقعی خود و فرار از پرداخت دیون، داراییهایش را از طریق قرارداد به شرکت زیرمجموعه منتقل کرده و آنها را از دسترس طلبکاران دور میکند (Rezaei, 2017).

رویههای تجاری ناعادلانه میتواند با تأسیس شرکت تابعه به ایجاد انحصار در رقابت و حسابسازی منجر شود؛ بهعلاوه، از نظر اقتصادی یک شرکت هلدینگ عمودی، شرکت هلدینگ عمودی به شرکتهای تابعه که دارای شرکتهای تابعهای باشند که بین آنها رابطه خریدار - عرضهکننده وجود داشته باشد. در این نوع هلدینگ زنجیرهای تشکیل میشود که خروجی، محصولات، هر شرکت ورودی، ماده اولیه، شرکت دیگر است؛ به عبارتی در هلدینگ عمودی شرکتهای تابعه هرکدام قسمتی از زنجیره تولید هستند، اگر نقش کنترلی مؤثر را به تابعه تعمیم دهد، میتواند از انحصار در بازار استفاده نماید (Sardouei Nasab & Fathi, 2025).

در حقوق ایران، اگر شرکت مادر با هدف دستیابی به انحصار در تولید یک کالای خاص یا ایجاد یک موقعیت اقتصادی مسلط در بازار، اقدام به تملک سهام یا کنترل یک شرکت دیگر نماید، این عمل میتواند بهعنوان یکی از مصادیق «اعمال مخل رقابت» تلقی شود. اینگونه اقدامات،

که در راستای محدود کردن رقابت آزاد و تضييع حقوق مصرفکنندگان و ساير فعالان اقتصادی صورت ميگيرد، به موجب ماده ۴۴ ق.ا.س.ک. اصل ۴۴ ق.ا.ج.ا.ا. ممنوع شده است. اين ماده به صراحت بيان مي‌دارد که هيچ شخص حقيقي يا حقوقی مجاز نيست با تملك سرمايه يا سهام شرکته‌ها و بنگاه‌های ديگر، وضعیتی را ايجاد کند که منجر به اخلال در رقابت در يك يا چند بازار مشخص شود (Ravanbakhsh, 2025). هدف اصلي از ممنوعيت اينگونه اقدامات، حفظ سلامت فضاي رقابتي در اقتصاد کشور و جلوگیری از تمرکز بيش از حد قدرت اقتصادی در دست يك يا چند بازيگر اصلي است. انحصار يا تسلط بر بازار، ميتواند منجر به افزايش غيرمنطقي قيمتها، کاهش كيفيت کالاها و خدمات، و محدود شدن انتخاب مصرفکنندگان شود. به همين دليل، قانونگذار با وضع ماده ۴۴، سازوکاری را برای جلوگیری از اينگونه اعمال پيشيني کرده است تا رقابت سالم و عادلانه در بازارهای مختلف تضمين گردد. در صورتیکه اثبات شود شرکت مادر با هدف ايجاد انحصار، اقدام به تملك يا کنترل شرکت ديگری نموده است، اين عمل ميتواند مشمول مجازات‌ها و مقررات مربوط به اخلال در رقابت شود (Sardouei Nasab & Fathi, 2025).

يکی ديگر از رويه‌های ناعادلانه در تجارت شرکته‌ها، شيوه‌های حسابداری يا حسابسازي نامشروع است. حسابسازي نوعی اقدام فریبکارانه به شمار ميرود که با هدف سوءاستفاده شخصي يا گروهی، يا به منظور ايجاد ضرر به ديگران صورت ميگيرد. اين روش با تحريف يا حذف مبالغ يا اطلاعات افشاشده در صورتهای مالی ميتواند شکلهای مختلفی به خود بگيرد؛ مانند دستکاری يا تغيير سوابق حسابداری، تخريب يا مخدوش کردن اسناد مالی، ارائه اطلاعات نادرست، يا حذف عمدي معاملات و داده‌های مهم در صورتهای مالی. اين اقدامات منجر به ايجاد اختلال در صحت و قابليت اعتماد صورتهای مالی ميشود (Ghapanči et al., 2014).

#### تسری مسئولیت شرکت مادر در قبال فعالیتهای شرکت تابعه در حقوق انگلیس

مفهوم «تسری مسئولیت» از شرکت تابعه به شرکت مادر، در شرايط استثنایی و بسيار محدود، امکانپذير است. اين امر معمولاً از طريق دو سازوکار اصلي رخ ميدهد: اول، «مسئولیت مستقيم» شرکت مادر، و دوم، «برداشتن حجاب شرکت». مسئولیت مستقيم زمانی مطرح ميشود که خود شرکت مادر با اقدامات يا قصور خود، عاملی در ورود زيان به شخص ثالث باشد، حتی اگر زيان نهایي توسط شرکت تابعه ايجاد شده باشد. اين ميتواند شامل مواردی مانند ارائه دستورالعملهای اشتباه، تأمین مالی ناکافی برای فعالیتهای پرخطر، يا اعمال کنترل بيش از حد و نادرست بر عملیات تابعه باشد (Isaei Tafreshi & Ramezani Akerdi, 2013).

مفهوم «وظیفه مراقبت» در پرونده‌های اخير، به‌ویژه چندلر در برابر کيپ پی ال سی، ۲۰۱۲، و شرکت منابع ودانتا در برابر لانگووه، ۲۰۱۹، نقش کلیدی در گسترش مسئولیت شرکت مادر ایفا کرده است. اين رويه‌ها نشان داده‌اند که اگر شرکت مادر کنترل عملیاتی قابل توجهی بر فعالیتهای شرکت تابعه اعمال کند، از خطرات ناشی از آن آگاه باشد، يا بايد باشد، و بتوان انتظار معقولي داشت که در صورت عدم مراقبت، به اشخاص ثالث زيان وارد شود، آنگاه شرکت مادر ممکن است وظیفه مراقبت مستقیمی در قبال آن اشخاص ثالث داشته باشد. اين وظیفه ميتواند شامل تضمين ایمنی کارگران، رعایت استانداردهای زیستمحیطی، يا اطمینان از رعایت حقوق بشر توسط شرکت تابعه باشد (Dugdale & Jones, 2006).

برداشتن حجاب شرکت سازوکار ديگری است که در موارد نادر و استثنایی برای نادیده گرفتن استقلال حقوقی شرکت تابعه و انتساب مسئولیت به شرکت مادر به کار ميرود. اين امر تنها زمانی اتفاق ميافتد که دادگاه به اين نتیجه برسد که شرکت تابعه صرفاً «ابزار» يا «آلت فعل» شرکت مادر بوده و فاقد هرگونه استقلال واقعی در تصمیمگیری يا عملکرد است. دلایلی مانند تلفیق شديد عملیاتی، استفاده از نام تجاری

واحد، یا شواهدی دال بر اینکه ساختار شرکتی صرفاً برای فرار از تعهدات ایجاد شده است، میتواند مبنای این اقدام باشد. با اینحال، دادگاهها در برداشتن این حجاب بسیار محتاط عمل میکنند و آن را صرفاً در مواردی مجاز میدانند که هدف از ایجاد شرکت تابعه، ارتکاب تقلب یا فرار از تعهدات قانونی باشد. در نهایت، روند کلی در حقوق انگلستان به سمت افزایش مسئولیتپذیری شرکتهای مادر، بهویژه در مواردی است که فعالیتهای شرکتهای تابعه آنها پیامدهای گستردهای برای اشخاص ثالث، چه در داخل و چه خارج از انگلستان، دارد. با وجود پایداری اصل استقلال شخصیت حقوقی، مفاهیمی مانند وظیفه مراقبت و کنترل عملیاتی، امکان طرح دعاوی مؤثرتر علیه شرکتهای مادر را فراهم آوردهاند تا از سوءاستفاده از ساختارهای شرکتی و بیتوجهی به پیامدهای اقدامات گروههای اقتصادی بزرگ جلوگیری شود (Nupur, 2015).

حقوق انگلیس در موارد معدودی، تحت عنوان «در پرده افکنی» یا موارد مشابه، اجازه تسری مسئولیت به شرکت مادر را میدهد. این موارد معمولاً بر اساس تشخیص دادگاه از ماهیت رابطه بین شرکت مادر و تابعه و میزان کنترل و دخالت شرکت مادر صورت میگیرد. مهمترین استثنائات عبارتند از:

فریب یا تبانی: اگر اثبات شود که شرکت مادر از شخصیت حقوقی مجزای شرکت تابعه برای ارتکاب فریب، تبانی، یا فرار از تعهدات قانونی استفاده کرده است، دادگاه ممکن است شخصیت حقوقی مجزا را نادیده گرفته و مسئولیت را به شرکت مادر تسری دهد.

عاملیت: در صورتیکه شرکت تابعه صرفاً بهعنوان عاملی برای شرکت مادر عمل کند و استقلال واقعی نداشته باشد، دادگاه ممکن است رابطه عاملیت را تشخیص داده و شرکت مادر را مسئول اعمال شرکت تابعه بداند. اثبات این مورد دشوار است و نیازمند نشان دادن کنترل مستقیم و مداوم بر عملیات روزمره تابعه است (Dugdale & Jones, 2006).

گروه شرکتهای و وظیفه مراقبت: رویههای قضایی اخیر، بهویژه پرونده شرکت منابع ودانتا در برابر لانگووه و اوکپابی در برابر رویال داچ شل، نشاندهنده روند رو به افزایشی در شناسایی مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکتهای تابعه خارجی، بهخصوص در زمینه آسیبهای زیستمحیطی و نقض حقوق بشر است. این دادگاهها بر اساس مفهوم «وظیفه مراقبت» عمل میکنند. استدلال این است که اگر شرکت مادر:

• کنترل مستقیم و قابل توجهی بر عملیات پرخطر شرکت تابعه اعمال کند، مانند ارائه دستورالعملهای فنی، نظارت مستقیم، یا تعیین سیاستهای کلیدی.

• از تخصص و منابع مالی بیشتری نسبت به شرکت تابعه برخوردار باشد و انتظار رود که از خطرات آگاه باشد.

• سیاستهای گروهی، مانند *HSE*، را تدوین کرده و اجرای آن را الزامی دانسته باشد.

در این صورت، شرکت مادر ممکن است مستقیماً در قبال خسارات ناشی از قصور شرکت تابعه مسئول شناخته شود، حتی اگر بهطور رسمی از طریق قرارداد یا ضمانت، تعهدی نداشته باشد. این مسئولیت از طریق اثبات نقض «وظیفه مراقبت» مستقیم شرکت مادر نسبت به افرادی که تحت تأثیر عملیات شرکت تابعه قرار گرفتهاند، ایجاد میشود.

ساختار غیرواقعی: اگر ساختار شرکت تابعه صرفاً برای پنهان کردن هویت واقعی شرکت مادر یا فرار از مسئولیت ایجاد شده باشد و در عمل استقلال چندانی نداشته باشد، دادگاه ممکن است پرده را کنار بزند (Nupur, 2015).

در مجموع، حقوق انگلیس درحالیکه به اصل تفکیک شخصیت حقوقی احترام میگذارد، با توجه به پیچیدگیهای روابط مدرن گروههای شرکتهای، بهطور فزایندهای به دنبال یافتن راههایی برای پاسخگو کردن شرکتهای مادر در قبال آسیبهای جدی ناشی از فعالیتهای شرکتهای تابعه، بهویژه در مواردی است که کنترل و دخالت شرکت مادر مشهود است (Isaei Tafreshi & Ramezani Akerdi, 2013).

## مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکتهای تابعه خارجی در انگلستان

در حقوق انگلستان، مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکتهای تابعه خارجی پیچیدگیهای خاص خود را دارد و عمدتاً به مفهوم «برداشتن حجاب شرکت» و همچنین اصول کلی مسئولیت مدنی، بهویژه «وظیفه مراقبت»، بستگی دارد. تا همین اواخر، اصل بنیادین استقلال شخصیت حقوقی، که شرکت مادر و تابعه خارجی را موجودیتهای جداگانه و مستقلاً در نظر میگرفت، مانع اصلی در طرح دعوی علیه شرکت مادر در انگلستان برای اقدامات انجامشده توسط تابعه خارجی بود (Farah et al., 2023).

بااینحال، رویه قضایی اخیر، بهویژه رأی دیوان عالی کشور در پرونده شرکت منابع ودانتا در برابر لانگووه، ۲۰۱۹، تحولی قابل توجه در این زمینه ایجاد کرد. در این پرونده، شهروندان زامبیایی که از آلودگی ناشی از فعالیتهای یک شرکت تابعه زامبیایی شرکت مادر بریتانیایی منابع ودانتا متأثر شده بودند، علیه شرکت مادر در دادگاههای انگلستان اقامه دعوی کردند. دیوان عالی کشور با رد استدلال شرکت مادر مبنی بر عدم صلاحیت دادگاههای انگلستان، اعلام کرد که در شرایط خاص، شرکت مادر ممکن است وظیفه مراقبت مستقیمی در قبال اشخاص ثالث متأثر از عملیات شرکت تابعه خارجی خود داشته باشد (Dowling, 2020).

عواملی که در پرونده *Vedanta* و پروندههای مشابه برای تعیین مسئولیت شرکت مادر خارجی در نظر گرفته میشوند، شامل موارد زیر است:

### کنترل عملیاتی

در صورتیکه شرکت مادر، کنترل مستقیم و چشمگیری بر عملیات شرکت تابعه خارجی اعمال کند، بهگونهای که توانایی تأثیرگذاری بر نحوه انجام فعالیتهای پرخطر را داشته باشد، احتمال افزایش مسئولیت شرکت مادر بهشدت بالا میرود. این کنترل مستقیم میتواند از طریق سازوکارهای مختلفی صورت پذیرد؛ از جمله، انتصاب اعضای هیئت مدیره یا مدیران کلیدی شرکت تابعه، ارائه دستورالعملهای فنی و اجرایی دقیق، یا حتی نظارت مستقیم و روزمره بر فرآیندهای عملیاتی و تصمیمگیریهای شرکت تابعه. وقتی چنین سطحی از کنترل وجود دارد، دیگر نمیتوان شرکت تابعه را بهعنوان یک واحد کاملاً مستقل و جدا از شرکت مادر تلقی کرد، بلکه عملیات آن به نوعی ادامه یا بازتابی از اراده و سیاستهای شرکت مادر محسوب میشود (Pasban & Milani, 2023).

این افزایش احتمال مسئولیت ناشی از آن است که در چنین سناریویی، شرکت مادر دیگر صرفاً یک سهامدار منفعل نیست، بلکه در عمل، نقش فعالانهای در هدایت و اجرای عملیات شرکت تابعه، بهویژه در بخشهای پرخطر، ایفا میکند. بنابراین، اگر به دلیل عدم رعایت استانداردها، بیاحتیاطی یا قصور در اجرای فعالیتهای پرخطر توسط شرکت تابعه، خسارتی به بار آید، دادگاهها با توجه به سطح بالای کنترل و تأثیرگذاری شرکت مادر، ممکن است این شرکت را نیز در قبال آن خسارات مسئول بدانند. استدلال اصلی در اینجا این است که شرکت مادر با اعمال کنترل مستقیم، مسئولیت بهوجودآمده را نیز باید بپذیرد، زیرا قادر بوده است از وقوع یا تشدید آن جلوگیری نماید (Nupur, 2015).

### تخصص و منابع

شرکتهای مادر معمولاً به دلیل مقیاس عملیاتی و سابقه طولانیتر، از تخصص فنی و منابع مالی قابل توجهی برخوردارند که این مزیتها را میتوانند به شرکتهای تابعه خود نیز منتقل کنند. در مواردی که حوزه عملیاتی شرکت تابعه با فعالیتهای تخصصی یا دانش فنی خاصی همراه است و شرکت مادر نیز در آن حوزه دارای تخصص و تجربه است، انتظار میرود که این شرکت مادر از خطرات بالقوه مرتبط با آن فعالیتهای آگاهی بیشتری داشته باشد. این آگاهی تخصصی، بار مسئولیت شرکت مادر را در قبال اطمینان از رعایت بالاترین استانداردهای ایمنی و عملیاتی توسط شرکت تابعه افزایش میدهد (Skinner, 2015).

در چنین شرایطی، اگر شرکت مادر نتواند نشان دهد که از دانش و تخصص خود برای راهنمایی و نظارت بر شرکت تابعه به‌منظور کاهش خطرات استفاده کرده است، یا اگر شرکت تابعه علیرغم داشتن تخصص و منابع کافی در شرکت مادر، همچنان مرتکب قصور یا بیمبالاتی شود، دادگاهها ممکن است این استدلال را بپذیرند که شرکت مادر وظیفه مراقبت بیشتری بر عهده داشته است. این وظیفه اضافی ناشی از موقعیت برتر شرکت مادر، هم از نظر دانش فنی و هم از نظر منابع مالی است که به او اجازه میدهد فعالانه در مدیریت ریسک شرکت تابعه نقش ایفا کند و از وقوع حوادث ناگوار جلوگیری نماید (Isaei Tafreshi & Ramezani Akerdi, 2013).

### سیاستهای گروهی

تدوین و ابلاغ سیاستهای جامع گروهی، از جمله در زمینههای حیاتی مانند بهداشت، ایمنی، و محیط زیست، توسط شرکت مادر و الزام کلیه شرکتهای تابعه به رعایت آنها، یکی از نشانهای قوی اعمال کنترل و نظارت فعالانه توسط شرکت مادر محسوب میشود. این اقدام نشان میدهد که شرکت مادر نه تنها مالکیت شرکتهای تابعه را در اختیار دارد، بلکه در سطح عملیاتی و مدیریتی نیز دخالت کرده و چارچوبهای مشخصی را برای نحوه اداره کسبوکار تعیین میکند. الزام به پیروی از یک مجموعه سیاستهای واحد، هماهنگی را در کل گروه تضمین کرده و استانداردهای مشخصی را در تمامی سطوح سازمان پیادهسازی میکند (Pasban & Milani, 2023).

وجود چنین سیاستهای مدون و الزامآوری میتواند به‌عنوان دلیلی بر پذیرش مسئولیت ضمنی یا حتی صریح شرکت مادر در قبال رعایت استانداردها و کاهش خطرات در کل گروه تلقی شود. اگر یکی از شرکتهای تابعه در اجرای این سیاستها قصور ورزد و منجر به بروز حادثه یا خسارتی شود، وجود سیاستهای تدوینشده توسط شرکت مادر میتواند به‌عنوان مبنایی برای استناد به مسئولیت شرکت مادر مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، شرکت مادر با تعیین استانداردها، خود را در قبال حصول اطمینان از رعایت آنها در تمامی شرکتهای تابعه مسئول میداند و عدم رعایت این استانداردها میتواند مستقیماً به شرکت مادر بازگردانده شود (Farah et al., 2023).

### ارتباط با اشخاص ثالث

در حقوق کاملاً زمانی که شرکت مادر به‌طور مستقیم با اشخاص ثالث وارد ارتباط تجاری میشود، یا به‌صورت عمومی تعهد به پایداری عملیات کل گروه، شامل شرکتهای تابعه، را اعلام میدارد، این اقدامات میتواند به ایجاد یک «وظیفه مراقبت» مؤثر از سوی شرکت مادر در قبال این اشخاص ثالث منجر شود. به عبارت دیگر، اگر شرکت مادر با اتخاذ رویکردی فعالانه در تعامل با دنیای خارج، خود را به‌عنوان یک بازیگر اصلی در صحنه اقتصادی معرفی کند و بر ثبات و پایداری کل گروه تأکید نماید، این خود میتواند تلویحاً تعهدی را در قبال کسانی که به این ثبات و پایداری اتکا میکنند، ایجاد کند (Dowling, 2020).

این وظیفه مراقبت، فراتر از مسئولیتهای معمول ناشی از صرف مالکیت شرکتهای تابعه است. هنگامی که شرکت مادر به‌طور علنی مسئولیت پایداری عملیات گروه را اعلام میکند، گویی به سهامداران، مشتریان، تأمینکنندگان و سایر ذینفعان اطمینان میدهد که کل ساختار گروه، از جمله شرکتهای تابعه، از حمایت و نظارت کافی برخوردار است. در صورت بروز خسارت برای اشخاص ثالث که ناشی از قصور یا بیمبالاتی در عملیات یکی از شرکتهای تابعه بوده است، و با در نظر گرفتن اعلام عمومی مسئولیت توسط شرکت مادر، دادگاهها ممکن است استدلال کنند که شرکت مادر به دلیل ایجاد این انتظارات و تعهدات ضمنی، وظیفه مراقبت را در قبال این اشخاص ثالث داشته است. در چنین شرایطی، عدم رعایت این وظیفه مراقبت میتواند مبنای مسئولیت حقوقی شرکت مادر قرار گیرد (Nupur, 2015).

نکته حائز اهمیت این است که دادگاه‌های انگلستان همچنان با احتیاط به موضوع «برداشتن حجاب شرکت» مینگردند و آن را استثنایی بر اصل استقلال شخصیت حقوقی میدانند. مسئولیت مستقیم از طریق نقض وظیفه مراقبت، رویکردی انعطاف‌پذیرتر و رایج‌تر برای طرح دعوی علیه شرکت مادر خارجی است. این بدان معناست که صرف مالکیت سهام یا کنترل کلی شرکت تابعه، به خودی خود منجر به مسئولیت نمیشود، بلکه باید نشان داده شود که شرکت مادر در عمل، کنترل یا دخالت مؤثری در فعالیت زیانبار داشته و یا در انجام وظیفه مراقبت خود کوتاهی کرده است. با این تحولات، اشخاص ثالثی که از اقدامات شرکتهای تابعه خارجی متضرر میشوند، اکنون چشمانداز واقع‌بینانه‌تری برای طرح دعوی در انگلستان دارند، به‌ویژه زمانی که شرکت مادر خارجی در این کشور حضور دارد و یا خود را به‌عنوان مرکز کنترل عملیات گروه معرفی کرده است. این روند نشان‌دهنده حرکت حقوق انگلستان به‌سوی پاسخگو کردن شرکتهای مادر در قبال تأثیرات جهانی عملیات گروه خود است (Skinner, 2015).

### نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری از پژوهش حاضر نشان میدهد که مفهوم «مسئولیت تبعی شرکت مادر» حاصل تعامل میان دو اصل بنیادین حقوق شرکتهاست؛ از یک سو اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکتهای تابعه و از سوی دیگر واقعیت کنترل و وابستگی اقتصادی آنها نسبت به شرکت مادر. در موقعیتهایی که این کنترل منجر به سوءاستفاده، زیان اشخاص ثالث یا نقض الزامات قانونی میشود، حفظ تفکیک مطلق میان این اشخاص حقوقی میتواند عدالت و نظم اقتصادی را مختل سازد. از اینرو، پذیرش مسئولیت تبعی شرکت مادر ضرورتی است در جهت تضمین پاسخگویی و پیشگیری از سوءاستفاده ساختاری از حجاب شخصیت حقوقی. در حقوق ایران، اگرچه قوانین به صراحت نهاد «مسئولیت شرکت مادر» را به رسمیت نشناخته‌اند، اما میتوان بر پایه اصول کلی مسئولیت مدنی، قاعده تقصیر و نظریه رفع حجاب شخصیت حقوقی، مسیر فقهی و حقوقی این مسئولیت را ترسیم نمود. در چنین چارچوبی، مسئولیت شرکت مادر نه مطلق و عام، بلکه استثنایی و مبتنی بر وجود رابطه مؤثر کنترلی، سوءاستفاده از شخصیت حقوقی یا دخالت مستقیم در تصمیمات شرکت تابعه است. در مقابل، در حقوق انگلستان، رویه‌های قضایی از جمله آرای مشهور در زمینه برداشتن حجاب شرکتی سبب شده تا در موارد خاص، شرکت مادر پاسخگوی فعالیت‌های زیانبار تابعه گردد، به‌ویژه هنگامی که تابعه صرفاً ابزاری برای دور زدن الزامات قانونی باشد.

مقایسه تطبیقی دو نظام نشان میدهد که گرچه هر دو بر استقلال شخصیت حقوقی تأکید دارند، اما رویکرد انگلستان در کشف مسئولیت شرکت مادر واقع‌گرایانه‌تر و مبتنی بر عدالت قضایی است، درحالی‌که حقوق ایران هنوز از مسیر نظری و اصولی به مرحله اجرایی نرسیده است. بنابراین، پیشنهاد میشود قانونگذار ایرانی با بهره‌گیری از تجارب تطبیقی، معیارهای روشن و محدوده دقیق دخالت شرکت مادر را در قوانین شرکتهای پیشبینی کند تا از یک سو امنیت سرمایه‌گذاری حفظ شود و از سوی دیگر، اشخاص ثالث متضرر از عملکرد شرکتهای تابعه، از حمایت حقوقی مؤثر برخوردار گردند. به‌طور کلی، پذیرش مسئولیت تبعی شرکت مادر باید بر پایه توازن میان استقلال شخصیت حقوقی و ضرورت پاسخگویی اقتصادی استوار گردد؛ توازنی که تضمین‌کننده عدالت، کارایی اقتصادی و شفافیت روابط شرکتی در نظام حقوقی ایران خواهد بود.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The contemporary expansion of corporate groups has transformed the classical assumptions of company law and has made the liability of parent companies for the activities of subsidiaries one of the most important questions in comparative corporate liability. In traditional legal doctrine, each incorporated company is treated as a separate legal person, and this separateness protects shareholders, affiliated companies, and parent corporations from automatic responsibility for the debts, obligations, or harmful acts of another company within the same group. However, the practical structure of modern parent-subsidiary relations often reveals a significant gap between formal legal independence and economic reality. A parent company may determine the strategic direction of subsidiaries, appoint key directors, control financial resources, impose operational policies, integrate the subsidiary into the broader corporate group, and benefit from the subsidiary's activities while still relying on the doctrine of separate corporate personality to avoid liability. This tension between legal autonomy and economic control is especially important in legal systems where corporate groups are increasingly used in commercial transactions, investment structures, international business operations, and risk allocation. The concept of the parent company itself is generally associated with the ownership of a controlling shareholding or the ability to direct the management of another company, while a subsidiary is understood as a company that operates under the ownership, influence, or control of another corporate entity (Amirian Jahromi et al., 2023; Garner, 2009; Salehi Mazandarani & Zakerinia, 2013; William & Final, 1911). Accordingly, the central issue examined in this study is whether the separate personality of a subsidiary should remain fully effective even when the subsidiary acts under the decisive influence of the parent company, or whether, in exceptional circumstances, liability should extend to the parent company in order to protect third parties, prevent abuse, and preserve economic justice.

This study is based on a descriptive-analytical and comparative legal method and examines the foundations of subsidiary liability of parent companies in Iranian and English law. The research proceeds from the premise that corporate group liability cannot be understood solely through the formal doctrine of separate legal personality, because the legal form of the company may conceal the real distribution of power, control, benefit, and risk within the corporate group. In Iranian law, there is no comprehensive statutory regime expressly regulating the liability of parent companies for subsidiaries' harmful conduct or unpaid obligations. Therefore, the issue is generally analyzed through general principles of civil liability, jurisprudential rules, the prohibition of abuse of rights, causation, vicarious liability, the doctrine of the real principal, the rule of "whoever takes the benefit must bear the burden," and the theory of piercing or disregarding corporate personality (Feyzi Chakab et al., 2020; Gholami & Bagherpour, 2021; Katouzian, 2006; Kaviani & Ghasemi Moghadam, 2015). The study also considers the relative independence of legal personality, according to which a legal act may be valid internally between the parties but unenforceable against third parties where it violates their protected rights (Izanloo & Shariati Nasab, 2012). In this analytical framework, liability of the parent company is not treated as a general rule, but as an exceptional consequence of effective control, misuse of the subsidiary structure, deception, undercapitalization, fraudulent conduct, or direct interference in the subsidiary's management and contractual relations.

The findings concerning Iranian law indicate that several doctrinal bases may justify the extension of liability from the subsidiary to the parent company in exceptional situations. The rule of deception, or *gharūr*, may apply where a subsidiary uses the name, credit, or commercial reputation of the parent company in a way that misleads third parties into believing that they are dealing with a stronger or more reliable corporate entity; in such cases, the parent company may bear responsibility where its conduct or tolerance of such representation has contributed to the third party's reliance (Ahmadzadeh, 2015; Feyzi Chakab et al., 2020). The rule of causation also provides a basis for liability where the parent company's instructions, policies, or indirect managerial interference become the effective cause of harm caused through the subsidiary, particularly where the subsidiary lacks genuine decision-making independence (Amini & Enayattabar, 2018; Gholami & Bagherpour, 2021). Similarly, the doctrine of vicarious or liability for the act of another can be invoked where control and supervision over the subsidiary create an obligation to prevent harm, although this ground remains limited because it is an exception to the principle of personal civil liability (Ahmadinia et al., 2022; Yazdanian, 2012). Iranian law may also respond to abusive corporate structures through the rule against fraud, the theory of the real principal, and the doctrine of agency, especially where the subsidiary is used as an instrument to escape contractual duties, conceal assets, evade creditors, manipulate accounts, or create unlawful market dominance (Ghapanči et al., 2014; Mirzaei Amghani, 2016; Pasban, 2010; Shahbazinia et al., 2011). These doctrinal possibilities demonstrate that, despite the absence of explicit statutory provisions, Iranian law contains conceptual tools that can support a limited and purposive model of parent company liability.

In English law, the analysis of parent company liability is shaped by a more developed judicial tradition, although the basic principle of separate corporate personality remains strong. English courts have historically been cautious in piercing the corporate veil and have generally allowed such an exceptional remedy only where the corporate structure is used for fraud, evasion of legal obligations, or concealment of the real actor behind the company. However, modern English law has increasingly developed a more flexible path through direct liability and the duty of care. Under this approach, the parent company is not held liable merely because it owns shares in the subsidiary; rather, liability may arise where the parent company itself has assumed responsibility, exercised operational control, issued binding policies, possessed superior knowledge and resources, or created expectations that it would supervise or secure compliance within the group (Dugdale & Jones, 2006; Isaei Tafreshi & Ramezani Akerdi, 2013; Nupur, 2015). This approach is especially significant in cases involving foreign subsidiaries, environmental harm, workplace safety, human rights violations, and transnational corporate accountability. Contemporary scholarship also highlights the accountability gaps produced by limited liability and separate corporate personality in multinational corporate groups, particularly where risk is externalized to vulnerable third parties while profit remains concentrated at the parent-company level (Dowling, 2020; Farah et al., 2023; Skinner, 2015). Thus, English law has not abandoned separate personality, but it has developed mechanisms through which parent companies may be held directly accountable when their own conduct, representations, policies, or control create a legally recognizable duty.

The comparative analysis shows that Iranian and English law both begin from the principle of corporate separateness, but they differ in the maturity, clarity, and operational effectiveness of their approaches to parent company liability. Iranian law possesses rich general principles and jurisprudential doctrines that can justify liability, including causation, deception, prohibition of fraud, liability arising from control, and the relationship between benefit and burden; however, these principles have not yet been consolidated into a clear statutory or judicial framework specifically

designed for corporate groups. Consequently, courts may face uncertainty in identifying the threshold of control, the evidentiary standard for abuse, the scope of third-party reliance, and the appropriate form of liability between the parent and subsidiary (Gholami & Bagherpour, 2021; Ravanbakhsh, 2025; Sardouei Nasab & Fathi, 2025). By contrast, English law has moved toward a case-based model that distinguishes between veil piercing and direct duty-based liability. The duty-of-care model is particularly important because it avoids the doctrinal rigidity of veil piercing and focuses instead on whether the parent company's own conduct created responsibility toward affected persons. Factors such as operational control, superior expertise, group-wide policies, public representations, and direct engagement with third parties may all support liability (Dowling, 2020; Farah et al., 2023; Pasban & Milani, 2023). The comparative result suggests that Iranian law could benefit from a clearer legislative framework that preserves investment security and the legitimate function of limited liability while defining exceptional cases in which parent companies should not be permitted to hide behind the legal personality of subsidiaries.

In conclusion, the subsidiary liability of the parent company should be understood as a balanced legal response to the conflict between formal corporate independence and substantive economic control. Absolute adherence to separate legal personality may protect commercial certainty, but it can also permit abuse where the subsidiary is undercapitalized, instrumentalized, misrepresented, or controlled in a manner that causes harm to third parties. Conversely, unrestricted liability of parent companies would undermine the legitimate function of corporate groups, discourage investment, and weaken the predictability of commercial law. The most defensible approach is therefore a limited, exceptional, and criteria-based model of liability. Under such a model, the parent company should be held liable only where effective control, misuse of corporate personality, fraudulent purpose, direct intervention, reliance-inducing representation, or breach of a duty of care is established. For Iranian law, the main implication is the need to move from scattered doctrinal reasoning toward transparent statutory criteria and more coherent judicial practice. Such reform would help protect third parties, strengthen economic justice, prevent the abusive use of subsidiaries, and at the same time preserve the legitimate autonomy of corporate personality. The ultimate objective is not to abolish the separation between parent and subsidiary companies, but to ensure that this separation does not become a legal shield for irresponsibility, evasion, or structural injustice.

## References

- Ahmadinia, F., Mazaheri Kohanestani, R., Tavassoli Naeini, M., & Arashpour, A. (2022). Parent Company Liability through Control of an Undercapitalized Subsidiary in German and Iranian Law. *Comparative Law Scientific Biannual*, 9(1), 83-108.
- Ahmadzadeh, M. (2015). *Holding Company Liability toward Subsidiary Companies* [University of Science and Culture]. Tehran.
- Amini, M., & Enayattabar, R. (2018). A Comparative Study of the Liability of Cause and Direct Actor in Iranian Law and the Intervening Cause in English Law. *Comparative Law Studies*, 9(1), 1-23.
- Amirian Jahromi, F., Hosseini Pouya, S. M., & Zahedian, M. (2023). Comparison of the Concept of Specialized Parent and Subsidiary Companies with Similar Companies and Titles in Iranian and U.S. Law. *Modern Research in Administrative Law*, 5(14), 395-423.
- Dowling, P. (2020). Limited Liability and Separate Corporate Personality in Multinational Corporate Groups: Conceptual Flaws, Accountability Gaps, and the Case for Profit-Risk Liability. In *Accountability, International Business Operations and the Law* (pp. 219-238). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351127165-11>
- Dugdale, A. M., & Jones, M. (2006). *Clerk & Lindsell on Torts* (19th ed.). Sweet & Maxwell.

- Farah, Y., Kunuji, V., & Kent, A. (2023). Civil Liability under Sustainability Due Diligence Legislation: A Quiet Revolution? *King's Law Journal*, 34(3), 499-523. <https://doi.org/10.1080/09615768.2023.2283234>
- Feyzi Chakab, G. (1995). *The Principle of Privity of Contracts in Iranian and English Law* [Shahid Beheshti University, Faculty of Law].
- Feyzi Chakab, G., Banaei Eskoui, M., & Mousavi, S. M. (2020). Application of the Real Principal Rule in Parent and Subsidiary Companies: A Comparative Study in U.S. Law, Imamiyyah Jurisprudence, and Iranian Law. *Comparative Research in Islamic and Western Law*, 7(3), 149-182.
- Garner, A. (2009). *Black's Law Dictionary*. West Publishing.
- Ghapanči, H., Danesh-Nari, H. R., & Mousavi, N. (2014). Corporate Financial Crimes from Typology to Etiology. *Encyclopedia of Economic Law*, 21(6), 143-172.
- Gholami, J., & Bagherpour, S. (2021). Abuse of Subsidiary Companies by the Parent Company in Iranian Law: Examples, Explanation of Liability, and Solutions. *Justice Legal Journal*, 85(113), 285-307.
- Haji Dehabadi, A. (2019). Changes in the Rule of Concurrence of Cause and Direct Actor in Light of the Latest Legislative Developments in Iran: Article 526 of the Islamic Penal Code 2013. *Private Law*, 16(1), 113-132.
- Isaei Tafreshi, M., & Ramezani Akerdi, H. (2013). The Concept and Liability of the Shadow Director in Commercial Company Law: A Comparative Study in English and Iranian Law. *Comparative Law Research Journal*, 17(3), 113-134.
- Izanloo, M., & Shariati Nasab, S. (2012). A Comparative Study of Non-Opposability in Iranian and French Law. *Private Law Journal*, 9(2), 35-66.
- Katouzian, N. (2006). *Civil Law: Extra-Contractual Obligations and Compulsory Liability*. University of Tehran Press.
- Katouzian, N. (2023). *Extra-Contractual Obligations: Civil Liability* (5th ed.). Ganj-e Danesh.
- Kaviani, K., & Ghasemi Moghadam, S. (2015). Parent Company Liability for Debts of Bankrupt Subsidiary Companies. *Private Law Research*, 3(5), 27-50.
- Mirzaei Amghani, M. (2016). Imposing Liability on the Real Principal beyond the Veil of the Legal Personality of a Commercial Company in a Judicial Decision. *Raye Quarterly: Studies of Judicial Decisions*, 5(14), 75-91.
- Motomura, H. (2005). Protecting Outside Shareholders in a Corporate Subsidiary: A Comparative Look at the Private and Judicial Rules in the United States and Germany. *Wisconsin Law Review*, 61(17), 62-105.
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (1996). The Rule of Action. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 1(2), 23-42.
- Nupur, U. (2015). Piercing the Corporate Veil: An Analysis of Lord Sumption's Attempt to Avail a Troubled Doctrine. *Auckland University Law Review*, 220-230.
- Pasban, M., & Milani, J. (2023). The Position of the General Department of Registration of Companies and Non-Commercial Institutions in Giving Identity and Consolidating the Personality of Legal Entities. *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, 6(18).
- Pasban, M. R. (2010). Capacity of Commercial Companies and the Limits of Authority of Commercial Company Directors. *Legal Research Journal*, 13(51), 127-164.
- Pouzad, F. (2017). *Parent Company Liability for Subsidiary Bankruptcies* [Shiraz University, Faculty of Law].
- Ravanbakhsh, M. (2025). *Strategic Management in Parent and Holding Companies*. Aftab Giti.
- Rezaei, A. (2017). Foundations of Parent Company Liability toward the Subsidiary Company: A Comparative Study in English and Iranian Legal Systems. *Comparative Law Research*, 21(3), 37-73.
- Salehi Mazandarani, M., & Zakerinia, H. (2013). Legal Personality of Multinational Companies and Its Effects. *Comparative Law Biannual*, 9(1), 145-160.
- Sardouei Nasab, M., & Fathi, M. (2025). Legal Analysis and Transparency Criteria in the Relationship between Subsidiary and Parent Companies in the Stock Exchange. *Islamic Law Quarterly*, 22(85), 5-43.
- Shahbazinia, M., Isaei Tafreshi, M., Kaviani, K., & Faraji, E. (2011). Piercing the Corporate Legal Personality in Cases of Partner Fraud in Iranian and English Law. *Justice Legal Journal*, 75(74), 9-39.
- Shid, B., & Izanloo, M. (2017). Expansion of the Scope of Arbitration in Light of the Real Principal Theory and a Comparative Study with Iranian Law. *Iranian and International Comparative Legal Research Journal*, 10(37), 183-204.
- Skinner, G. (2015). Rethinking Limited Liability of Parent Corporations for Foreign Subsidiaries' Violations of International Human Rights Law. *Washington and Lee Law Review*, 72(4), 1769. <https://scholarlycommons.law.wlu.edu/wlulr/vol72/iss4/5>
- William, E. M., & Final, G. C. (1911). *Public Utility Regulation*. Harper and Brothers.
- Yazdani, A. (2012). A Comparative Study of Civil Liability Arising from the Act of Another in Iranian and French Law. *Law and Political Science*, 42(4), 249-268.

Ziegler, A. R., & Qureshi, A. (2011). *International Economic Law*. Sweet & Maxwell.